

خسروشاه حکمران قندوز ارسال داشت، تا در مقابل حملات شیبانی با وی امداد نماید در سنه ۹۱۲ هـ ۱۵۰۷ م) برای همین مقصد به سفارت بدربار حکمران قندهار شجاع بیگ فرستاده شد ولی باین مقصد نرسید. در سنه ۹۱۳ هـ ۱۵۰۷ م) که قوه شیبانی خان هرات را گرفتند خواند میر در هرات بود، و اوضاع پر آشوب روزگار رامی نوشت، و مصائب بیشماری را می دید. تا که در سنه ۹۱۶ هـ ۱۵۰۱ م) شاه اسمعیل صفوی بر خراسان لشکر کشید و بعد ازین خواند میر با شهزاده تیموری میرزا محمد زمان در غرjestان بوده و در سنه ۹۲۱ هـ ۱۵۱۵ م) با وی به بلخ رفت، به حیث مشاور خاص شاهی کار میکرد، تا که در سنه ۹۲۳ هـ ۱۵۱۷ م) میرزا محمد زمان او را به غرjestان واپس فرستاد، و بعد ازین خواند میر در گوشه انزوا به مطالعات تاریخ پرداخت. در سنه ۹۲۷ هـ ۱۵۲۰ م) حکمران هرات امیر غیاث الدین محمد حسینی قاضی بخواند میر امر داد، که تاریخ مفصل را بنویسد، وی جلد اول حبیب السیر را مطابق این امر نوشت، ولی در همین سال مشکوک وی امیرغیاث الدین مذکور در هرات کشته شد. و اوضاع آشفته روزگار او را از نوشتن باز داشت چون بعد ازین ایام آشوب، اوضاع هرات در تحت حکمرانی کریم الدین حبیب الله آرامش یافت، این حکمران دانش دوست خواند میر را در تحت اصطناع خویش گرفت، تا که در سنه ۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) تاریخ خود را بنام او تکمیل کرد.

میر خواند در سنه ۹۳۳ هـ ۱۵۲۸ م) از هرات به قندهار آمد، و از آنجا به عزم سفر هند حرکت کرد، و در محرم ۹۳۵ هـ ۱۵۲۹ م) در اگره بدربار بابر رسید، و نوازش زیاد دید، و در سفر بنگال (۹۳۵ هـ) با بابر همراه بود، پس از آن که بابر بمرد خواند میر بدربار همایون بود، و قانونی همایونی را بنام او نوشت، و لقب "امیر المؤرخین" را یافت و

خواند میر مؤرخ هروی

غیاث الدین محمد مشهور به خواند میر پسر خواجه همام الدین ولد خواجه جلال الدین محمد بن برهاندالدین محمد هروی است. پدرش وزیر سلطان محمود ولد سلطان ابو سعید تیموری بادشاه بدخشان، و میر خواند مؤرخ نویسنده روضه الصفا جد مادری او بود، تولدش در حدود (۸۸۰ هـ ۱۴۵۷ م) در هرات واقع شده و در تحت نظر جد مادری تربیه دید و به تاریخ نویسی آشنا گردید و در ایام جوانی به اطلاعات وسیع تاریخی خود شهرت یافت، و بدربار سلطان حسین بایقرا و وزیر میر علی شیر نوائی محشور گشت، و به تشویق (نوائی) کتاب مآثر الملوک خود را نوشت، چون نوائی برای پرورش این جوان با ذوق کتابخانه بزرگ خود را در دسترس او گذاشت، وی با استعداد سرشار مشغول مطالعه تاریخ گشت، و تا سال (۹۰۶ هـ ۱۵۰۰ م) که نوائی وفات یافت، بحضور وی و بر بستر موتش حاضر بود، در سنه (۹۰۹ هـ ۱۵۰۳ م) که قوای اوزبک بقیادت شیبانی خان بر خراسان تاختند، بدیع الزمان ولد سلطان حسین بایقرا، خواند میر را بحیث سفیر بدربار امیر

در سفر گجرات (۹۴۱ هـ ۱۵۳۴م) به همایون هم‌کاب شاهی بود، و بعد ازین سفر به عمر (۶۲) سالگی در سنه (۹۴۲ هـ ۱۴۳۵م) از جهان رفت، و در جوار مزار نظام الدین اولیا در دهلی مدفون گردید، و دو پسر او در هرات و هند باقی ماندند. خواند میر مؤرخ بسیار معتبر و نویسنده فارسی و شاعر خوب است که در اشعار خود "مؤرخ" تخلص میکند.

تالیفات خواند میر :

وی در مقدمه حبیب السیر به تالیفات دیگر خود اشاره مینماید که عبارت است :

۱. مآثر الملوک : در اقوال حسنه ملوک و دانشمندان به تشویق میر علی شیر نوائی پیش از (۹۰۳ هـ ۱۴۹۸ م) نوشته شده و تالیف اولین اوست. زیرا در مقدمه آن می نویسد که : هنگام تالیف کتاب جد مادریش مولف روضه الصفاء (متوفی ۹۰۳ هـ) زنده بود، این کتاب سه باب دارد :
 - باب اول : مآثر شاهان قدیم ایران از کیومرث تا انوشیروان.
 - باب دوم : مآثر حکماء و دانشمندان از آدم تا بوزر گمهر.
 - باب سوم : مآثر حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار.
- بعد ازین فصول در مآثر خلفای بن امیه و عباسیه و دودمانهای ظاهریان و سامانیان و غزنویان و غیره تا ملوک کرت دارد، که آخرین فصل آن در شرح مآثر خاقانان ترک است.
- نسخه واحدی را ازین کتاب در موزه برطانیه سراغ داریم، که ریو در تکمیل فهرست خود (نمبر ۲۹ ص ۱۸) و حاجی خلیفه در کشف الظنون (ص ۳۵۰) و اوامر در فهرست میونک (ص ۷۵) ذکر کرده است.

۲. خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخیار : تاریخ عمومی تا (۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م) مشتمل بر یک مقدمه و ده مقاله در شرح احوال رسل و شاهان و مشاهیر علم و ادب و سیاست که نسخه های خطی آن در کلکته و کابل و تاشکند موجود بود، و کتاب نافع و مفید است.
- در مقدمه کتاب مینویسد که میر علی شیر وزیر در سنه (۹۰۴ هـ) تمام کتابخانه خود را که مشتمل بر کتب فراوان تاریخی بود در دسترس من گذاشت، و وی از مطالعه کتب مذکور این کتاب را فراهم آورده و در شش ماه به وزیر موصوف تقدیم داشت.
- ترجمه برخی از مقالات این کتاب در فرانسه و انگلیسی در کتب و مجلات آسیایی محافل علمی نشر شده، و علما آن را از کتب بسیار مهم تاریخی شمرده اند.
۳. مکارم الاخلاق : شرح زندگانی میر علی شیر نوایی در حدود (۹۰۶ هـ ۱۴۱۰ م) تالیف شده مشتمل بر یک مقدمه و ده باب و یک خاتمه از تولد تا وفات وزیر مذکور و نسخه خطی آن در موزه برطانیه موجود است (ریو ج ۱ ص ۳۶).
۴. دستور الوزراء : مشتمل بر احوال وزیران معروف دوره اسلامی تا (۹۱۵ هـ) که به نام سلطان حسین میرزا بایقرا و امیر کمال الدین محمود در سنه (۹۰۶ هـ) تالیف کرده و در (۹۱۴ هـ) در آن تجدید نظر نموده. این کتاب اخیراً در تهران طبع شده، و نسخه های متعدد آن در کتبخانه های اروپا و آسیا موجود است. (ر ک : ریو و فلوگل و غیره).
۵. اخبار الاخیار : در مقدمه حبیب السیر مذکور است که غالباً مشتمل بود بر احوال اولیاء ولی نسخه آن ظاهراً در دست نیست.
۶. منتخب تاریخ و صاف : در مقدمه حبیب السیر کتابی را به نام منتخب تاریخ و صاف نیز از تالیف خود ذکر کرده، که نسخه آن سراغ

نه داریم. و ایلویوت نیز در فهرست (۱۰۸) و تاریخ هند (۴ - ۱۴۲) ذکر از آن دارد.

چون تاریخ وصاف را عبدالله بن فضل الله شیرازی وصاف الخضره در سنه (۷۱۲ هـ ۱۳۱۲ م) به فارسی بسیار مغلق و مشکل نوشته بود، بنا بر آن خواند میر آن را تلخیص کرده و وقایه آن را به فارسی نسبتاً سلیس نوشت.

۷ و ۸. غالب علاوه بر شش کتاب مذکور که در مقدمه حبیب السیر نام آن را آورده، دو کتاب دیگر بنام غرائب الاسرار و جواهر الاخبار نیز بدو منسوب است، که اکنون از وجود آن خبری نداریم (رک . مقدمه انگلیسی قانون همایونی ص ۲۷) ولی ایلویوت در فهرست کتب شناسی (ص ۱۰۸) و تاریخ هند (۴ - ۱۴۳) این دو کتاب را نیز از تالیفات خواند میر شمرده است.

۹. نامه نامی : در فن انشاء و تمام شعب آن که ایتھی در فهرست کتب اندیا آفس (نمبر ۲۰۵۵) این کتابرا دارای اهمیت فراوان تاریخی می‌شمارند بدین معنی که اکثر مکاتب او نامه های که بطور نمونه و امثال آورده شده، نامه های اصلی رجال و مشاهیر عصر بوده، که ایتھی فهرست مفصلی را ازین نامه های تاریخی بدست میدهد.

خواند میر این کتابرا بعمر (۴۶) سالگی در حدود (۹۲۶ هـ) آغاز کرده و تاریخ آخرین که از نسخه کتاب بدست می آید (۹۲۹ هـ) است و ایتھی به ندرت کتاب و منحصر بفرد بودن نسخه اندیا آفس نیز اشاره میکند.

۱۰. قانون همایونی : که میر خواند آنرا بعد از مهاجرت بهند، بنام همایون بن بابر در گوالیار (سال ۹۳۷ هـ ۱۵۳۰ م) نوشت در شرح قوانین دربار شاهی و لوازم آن، و مخترعات همایون در امور دربار

داری و غالباً تالیف آخرین وی شمرده می شود. که ترجمه انگلیسی آنرا منشی سداسو که لال کرده است و ایلویوت آنرا در تاریخ خود (۵ - ۱۱۶) همایون نامه هم خوانده است، ولی چون ابوالفضل (متوفی ۱۰۱۱ هـ) در اکبر نامه (۱ - ۳۵۹) این کتابرا قانون همایونی گفته و اقتباساتی نیز از آن کرده است، بنا بر آن نام اصح بنظر می آید و از مضامین کتاب پدیدار است که خواند میر بدربار هند نیز خطی مقرب و ناظر نزدیک اوضاع آن بوده است.

از قانون همایونی صرف یک نسخه خطی در موزه برطانیه موجود است، که از روی آن هدایت حسین در سنه (۱۹۴۰ م) نسخه یی برای جمعیت آسیائی بنگال در (۱۳۶) صفحه با یک مقدمه بسیار ممتع انگلیسی و فهارس لازمه طبع کرده است، که نمودار بسیار خوبیست از وضع دربار و آداب و رسوم و لوازم دربار، و ابنیه و البسه و جشن ها و تزیینات و صرف اوقات شاهی، با نشستگاه و خورد و نوش و سیر و تفریح و عیش و طرز اداره و غیره.

۱۱. حبیب السیر فی اخبار افراد البشر : تاریخ بسیار مفید و مهم عمومی است تا (۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) که در سنه (۹۲۷ هـ) بنوشتن آن آغاز کرده و چهار جلد، بنام کریم الدین حبیب الله، یکی از اکابر و وزیر حکمران خراسان دورمیش خان بتاريخ ماه ربیع الاول (۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) در سه سال و (۸) ماه پایان رسانیده است.

حبیب السیر بانشای روان و لطیف در کمال جامعیت و احتوا نوشته شده، و بهترین کتابیست که در فارسی نظیر آن کمتر است. مخصوصاً شرح احوال رجال علم و ادب و هنر و تصوف که در پایان اکثر فصول دارد، در فارسی از ممیزات خاص قریحه لطیف خواند میر است، که بعد از مؤلفان عالم آرا و احسن التواریخ و غیره نیز همین رویه را

تعقیب کرده اند، و قبل از او آثار امام ذهبی و یاقعی در عربی نیز برین و تیره اند.

خواند میر در سبک انشای ساده و روان پیرو و همدم جد مادری خود خواند میر موکف روضه الصفا است و خوش بختانه کتاب خود را با روشنی مطالب و عدم تعقید و ابهام نوشته و از رویه بسیار پیچیده و پر تکلف منشیان درباری آن عصر که نمونه آن در منشآت خواجه عبدالله مروارید در شرفنامه (طبع هانس روبرت رومر، و یسبادن ۱۹۵۱) موجود است، پیروی ننموده است.

حبیب السیر مشتمل است بر تلخیص روایات تاریخی، از خلقت آدم تا ظهور اسلام و بعد از آن بر تاریخ اسلام تا (۹۳۰ هـ) و عصر خودش که تا سال (۸۷۳ هـ) را جلدش در شش جلد روضه الصفا هم نوشته بود، و بعد از او وقایع (۵۷) سال را میرخواند در حبیب السیر نوشت، که بقول دانشمند جلال همائی (مقدمه حبیب السیر ص ۳۲ طبع کتابخانه خیام تهران ۱۳۳۳ ش) قسمت اختصاصی حبیب السیر نیز همین است.

توضیح :

برخی از نویسندگان از آن جمله هدایت حسین در مقدمه قانون همایونی (ص ۲۹) جلد هفتم روضه الصفا را هم از تالیفات خواند میر شمرده اند ولی همین جلد هفتم که یقیناً بقلم خواند میر است کتاب مستقلی نیست، بلکه جزویست از حبیب السیر جلد چهارم که مشتمل است بر احوال سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا و اخلاف وی، که آنرا عیناً در جلد چهارم حبیب السیر بعد از (ص ۱۱۰ طبع خیام تهران ۱۳۳۳ ش) میبینیم. چون تاریخ وفات میرخواند موکف روضه الصفا (۲) ذیقعد (۹۰۳ هـ) است و در همین مجلد (که بنام جلد هفتم روضه

الصفا در بمبئی بسال (۱۸۷۴ م) و بعد از آن در نولکشور لکهنو به سال (۱۹۱۴ م) طبع شده، ذکر وفات میرخواند در (ص ۱۲۴) می آید و وقایع آن هم تا حدود (۹۳۰ هـ) که (۲۷) سال بعد از وفات میرخواند باشد دوام میکند. بنا برآن محال است که یکنفر نویسنده در (۹۰۳ هـ) بمیرد، و تاریخ وفات خود را باوقایع (۲۷) ساله بعد از مرگ خود در کتابی بنویسد.

چنین به نظر می آید که این جلد هفتم روضه الصفا را بعد از (۹۳۰ هـ) یعنی (۲۷) سال بعد از وفات موکف روضه الصفا، از حبیب السیر باین کتاب ضم کرده اند. و این انضمام نیز قبل از سنه (۱۰۶۹ هـ) که سال وفات حاجی خلیفه باشد روی داده است. زیرا حاجی خلیفه گوید :

"روضه الصفا : مشتمل است بر یک مقدمه و هفت اقسام ... که قسمت هفتم آن در احوال سلطان حسین بایقراست، و خاتمه آن حاوی حکایات متفرقه و احوال مخصوصی موجود است" (کشف الظنون ۱/۹۲۷) ازین تصریح حاجی خلیفه پدید می آید که عین در هنگام نوشتن کشف الظنون حدود (۱۰۵۰ هـ) جلد هفتم، با اصل روضه الصفا ضمیمه شده بود و عین همین (۷) جلد را آقا محمد صادق شیرازی در بمبئی بسال (۱۲۷۱ هـ) با طبع سنگی نشر کرد، که از روی آن در (۱۹۱۴ م) طابعان نولکشور لکهنو نیز مکرراً طبع نموده اند.

ناگفته نماند که حاجی خلیفه شاید نسخهای روضه الصفا و حبیب السیر را بغور سراپا نخوانده است زیرا وی ذیل روضه الصفا را مال پسرش غیاث الدین می شمارد (و ذیله لولده غیاث الدین) و باز در همین کشف الظنون (۱/۶۲۹) درباره حبیب السیر می نویسد :

"هو تاریخ کبیر لخصه من تاریخ والده المسمی بروضة الصفا و زادعلیه"

در حالیکه غیاث الدین خواند میر پسر میر خواند نی بلکه نواسه دخت روی بود، شاید حاجی خلیفه شرح حال میر خواند را در حبیب السیر (۳۴۱/۴ طبع حروفی تهران) خوانده و چون خواند میر گفته "راقم حروف نسبت به آنحضرت (میر خواند) علاقه فرزندى دارد" باز وی را "ابوی مخدومی" شمرده، بنا بر آن حاجی خلیفه این علاقه فرزندى و ابوت معنوی را بر ابوت مادى محمول داشته و او را والد غیاث الدین خواند میر نوشته باشد.

در کتبخانه های اروپا و آسیا نسخ خطی فراوانی از روضة الصفا موجود است که دارای (۷) جلد بوده و یکی از نسخ (۷) جلدی در کنگز کالج برطانیه است که در سنه (۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ هـ) نوشته شده (ستوری ۹۳/۱) و ازین پدید می آید که صد سال بعد از وفات مؤلف همین جلد ضمیمه روضة الصفا شده بود. و شاید همین کار را خود خواندمیر بعد از تکمیل حبیب السیر کرده باشد. (۱)